

### حفره



■ نویسنده:  
محمد رضایی‌راد  
■ ناشر: چشمه

«حفره» سومین اثر داستانی محمد رضایی‌راد است که او را بیشتر به‌عنوان کارگردان تئاتر و نمایشنامه‌نویس می‌شناسیم. حفره، اصلی‌ترین بن‌مایه رمان است و معانی و اشارات بسیاری را در دل خود دارد. قصه کتاب هم از قلب همین حفره سر برمی‌آورد و شاخ‌وبرگ می‌گیرد و هیچ شخصیتی بی‌در نظر گرفتن آن، قابل تعریف نیست. همه مفاهیم کتاب، تنها در جهان حفره است که موجودیت می‌یابند.

### او



■ نویسنده:  
زاهد بارخدا  
■ ناشر: روزبهان

«او» نوشته زاهد بارخدا نویسنده مریوانی است که برای کتاب اولش «ط» برنده جایزه مهرگان ادب شد. «او» نیز به‌نوعی در ادامه کار پیشین بارخداست. داستانی پیوند خورده به گذشته؛ همه چیز از یک ملاقات شروع می‌شود میان زن و مردی که گویا با یکدیگر غریبه‌اند، اما رفته‌رفته این غریبی تبدیل به تصویری آشنا می‌شود که در هیئت سایه‌ای از سال‌های دور خاطراتی را زنده می‌کند.

### دشت ماراتن



■ نویسنده:  
هانیه بختیاری  
■ ناشر: کتاب کوچه

رمان سرگذشت دختری به‌نام نشاط است که برای اولین بار در ده‌سالگی فصل رفتن را با مرگ مادرش تجربه می‌کند و از همان لحظه خاکسپاری مادرش در بهشت زهرا، اولین بار ناخودآگاهش که درکی از موقعیت مرگ و رفتن نداشته، به پاهایش فرمان فرار می‌دهد: «مطمئن، بزرگ و سنگین است. انگار حتی از روی کاغذ هم به‌راحتی پاک نمی‌شود. هر چقدر که رویش خط بکشی باز هم خوانده می‌شود...»



## اتوپیا سازی در جامعه

### احمد حسن زاده از شخصیت‌های ناقص الخلقه‌اش در رمان «خیال‌باز» می‌گوید

احمد حسن زاده (۱۳۶۰- گچساران) کارش را با روزنامه‌نگاری شروع کرد، اما با انتشار «مستر جیکاک» نوید نویسنده‌ای آتی‌ه‌دار را داد. «مستر جیکاک» عنوان بهترین مجموعه داستان سال هفت اقلیم را در سال ۹۵ از آن خود کرد. این اثر به مرحله نهایی جایزه ادبی مهرگان هم راه یافت. حسن زاده دو سال بعد مجموعه داستان «آه ای مامان» را منتشر کرد که در جایزه مهرگان ادب شایسته تقدیر شناخته شد. «خیال‌باز» سومین کتاب و اولین رمان حسن زاده، در سال اخیر منتشر و در جایزه ملی داستان مشهد تقدیر شد و به مرحله نهایی جایزه جلال راه یافت. آنچه می‌خوانید گفت‌وگو با احمد حسن زاده به‌مناسبت انتشار «خیال‌باز» از سوی نشر نون است؛ رمانی موفق و چندلایه که در پس‌زمینه خود مسائل عمیق فلسفی، سیاسی و اجتماعی را مطرح می‌کند.

#### فاطمیما احمدی روزنامه‌نگار

و انعطاف هم در خود داشته باشد. ضمناً مهم بود که بتواند ظرفیت ایده رمان را هم در خود حمل کند. از نظر من کاراکتر رمان باید بتواند ارتباط ذهنی برقرار کند، یعنی این نیروی ذهنی را داشته باشد که بتواند بین عناصر و چیزهای مختلف ارتباط برقرار کرده و یک نظام خلق تولید ذهنی داشته باشد که از پیوند چیزها، عنصر یا عناصر جدیدی در ارتباط با ایده ناظر رمان برای پیشبرد هدف محوری رمان خلق کند و کمک کند داستان پیش برود. اگر بتوانید چنین کاراکتری با چنین ظرفیتی که حتماً هم باید باورپذیر باشد خلق کنید، شما به‌عنوان نویسنده بُرد کرده‌اید و چقدر هم سخت است. اما همین تلاش برای خلقش هم جذاب است؛ بسیار جذاب. خلاصه این ارتباط ذهنی خیلی مهم است. جلوی خیلی از کارها را می‌گیرد، خیلی جاها شما نیاز ندارید پُرگویی کنی و پاراگراف پشت پاراگراف بنویسی که مثلاً یک مطلبی را بیان کنی. خود شخصیت، با حضورش همه چیز را می‌گوید بدون اینکه شما کلمات‌تان را دور بریزید. شخصیتی که خوب طراحی شده باشد مثل اورانیوم است، ذرات دارای نیرو است، وجودش حال خواننده را خوب می‌کند. حالا همه اینها موقع خلق کاراکتر ایلاس مدنظرم بوده است.

در استان کهگیلویه و بویراحمد هستیم. گچساران منابع بسیار عظیم نفت و گاز دارد. سومین ذخایر گازی جهان را دارد. ذخایر انرژی این شهر حیرت‌انگیز است. اما شهری فقیر با محله‌های فقیرنشین و مردمی فقیر است. همان تضاد همیشگی که دیگر همه می‌دانیم. در همین محله‌ها بزرگ شده‌ام. خیلی از این شخصیت‌هایی را که می‌بینید من واقعاً از نزدیک دیده‌ام و با آنها حشرونشر داشته‌ام. چند سالی در روستاهای اطراف گچساران زندگی کرده‌ام. فاصله میان شهر و روستا را بارها و بارها طی کرده‌ام. به همین خاطر اصلاً زحمتی برای خلق و یافت جغرافیای اثر نداشته‌ام. به‌نظرم هم همین درست است که نویسنده تجربه زیسته خودش را بنویسد. بعد دیگر می‌ماند خلاقیت نویسنده که چه چیزی به آن اضافه یا کم می‌کند و یا به چه چیزی تبدیلش می‌کند که به‌اصطلاح به آن می‌گویند چوب جادو. **انتخاب راوی چگونه شکل گرفت؟ روایت داستان از نگاه شخصی مثل ایلاس که دچار معلولیت جسمی و ذهنی است شما را با چه چالش‌هایی روبه‌رو کرد؟**

هدف من این بود شخصیتی خلق کنم که مجموعه‌ای از استعاره‌ها را در خود داشته باشد. درعین حال یک جور شیرینی

#### منابع الهام شما برای خلق «خیال‌باز» چه بود و نوشتن آن چقدر طول کشید؟

در مورد منابع باید عرض کنم کوشش بسیار متعدده‌ای در خواندن تاریخ ایران و خیلی مشخص‌تر، تاریخ و وقایع جنوب و جنوب‌غربی ایران دارم. هر چقدر بتوانم و پیدا کنم، وجدانه می‌خوانم. تحقیقات میدانی‌ام هم زیاد است. هر کجای جنوب و جنوب‌غربی ایران را که بشود می‌روم. شهر به‌شهر و روستا به‌روستا. تاجایی که در توان و امکاناتم باشد. خیلی برایم مهم است. گرچه محدودیت‌ها بسیار است، اما خوب، تلاشم را می‌کنم. مدت زمان نوشتن این رمان هم، تقریباً دو سال بوده. در واقع یک سال و نیم اول پراکنده‌نویسی یا نوشتن هر روزه برای رسیدن به کلیت کار بوده. خودم به‌اش می‌گویم مطابقت‌نویسی. یعنی شما مدام می‌نویسی و مطابقت می‌دهی با تحقیقات و یافته‌هایت و... بعد اما آن شش ماه پایانی که بی‌وقفه نوشتم. منظورم نسخه نهایی است. بعد از آن هم که مدتی فاصله گرفتم و در نهایت نسخه نهایی را آماده کردم.

#### تجربه زیسته چقدر در نوشتن رمان به شما کمک کرد؟

تجربه زیسته همه چیز است. من متولد و بزرگ‌شده شهرستان گچساران